

گزارش یک شبوا نوروژی

بایرن مونیخ باز هم بی رحمی و جاه طلبی هایش را به رخ تیم های آلمانی کشید. غول بوندس لیگا

عزمش را جزم کرده تا در این فصل خیلی زود یک جام قهرمانی را تصاحب کند و به ناکامی هایش در لیگ قهرمانان پایان دهد.

■ ■ ■

روزهای اوج باورایی ها با ونسان کمپانی ادامه دارد و هری کین هم یک تنه رکوردهای مختلف را می شکند. با وجود این قهرمانی بوندس لیگا اولین انتظار هواداران بایرن است و آنها منتظرند بعد از پنج فصل قهرمانی تیمشان در اروپا را جشن بگیرند.

پنتچمین برد متوالی این تیم در لیگ مقابل وردربرمن به ثبت رسید؛ باورایی ها با چهار گل از خجالت میهمان ششان درآمدند و با ۱۵ امتیاز همچنان بالاتر از بقیه صدرنشین ماندند. این سومین یاری است که بایرن هر پنج بازی نخست فصل را با پیروزی به پایان می رسد. آنها پیش از این در فصل های ۲۰۱۵-۲۰۱۶ و ۲۰۱۶-۲۰۱۷ نیز این رکورد را ثبت کرده بودند.

این بار با هدایت ونسان کمپانی دوباره این درخشش را تکرار می کنند و با این روند بعید است به این زودی نوار پیروزی های بایرن قطع شود.

تیم آلمانی روزهای خوبی را سپری می کند و از هر نظر برای پیروزی بر رقیبان آماده است. کمپانی اشراف خوبی روی بازیکنانش دارد و با داشتن ستاره هایی چون کین خیالش از خط حمله بایرن راحت است. ۳۲گل زده در لیگ، سه گل در جام حذفی و سه گل در لیگ قهرمانان (مقابل چلسی) تعداد گل های زده بایرن در تمامی رقابت ها را به ۲۸ رسانده و دیگر تیم های اروپایی برای رسیدن به این رکورد باید بیش از اینها تلاش کنند، این در حالی است که بایرن از ابتدای فصل فقط سه گل در بوندس لیگا خورده و این نیز آمار خوبی برای مونیخی ها به حساب می آید.

این تیم فصل پیش در نیمه نهایی به دست اینتر میلان حذف شد و باز هم حسرت قهرمانی به دل هواداران بایرن ماند. تمام تلاش کمپانی این است که علاوه بر بوندس لیگا، تیمش طلسم ناکامی اروپا را نیز بشکند. در گام نخست بایرن ۲ بر یک چلسی را برد و سه شنبه شب نیز در قبرس میهمان تیم پافوس است. باید دید تیم به اوج رسیده بایرن مونیخ در بازی های سخت اروپایی چه عملکردی از خود نشان خواهد داد.

در این میان مهاجم انگلیسی با تمام قوا به دروازه حریفان بورش می برد و از گلزنی خسته نمی شود. بریس هری کین در مصاف با وردربرمن به ثبت یک رکورد دیگر منجر شد. حالا کین بعد از انجام ۱۰۴ بازی با پیراهن بایرن مونیخ به رکورد ۱۰۰گل زده با این تیم آلمانی رسیده است. هری تنها فوتبالیست جهان است که با این تعداد بازی ۱۰۰گل به ثمر رسانده، حتی کریس رونالدو و ارلینگ هالند نیز هر کدام ۱۰۵بازی برای تیم های ژنل مادرید و منچستر سیتی انجام دادند تا ۱۰۰گله شوند.

سوارز هم بعد از ۱۲۰بازی با پیراهن بارسا و زلاتان ابراهیموویچ نیز بعد از ۲۴بازی با پیراهن پاریسن ژرمن به این رکورد رسیدند.

اروپایی ها توپ طلا را به دمبله دادند

فریدون حسن

با وجود گذشت نزدیک به یک هفته از اهدای توپ طلای سال ۲۰۲۵ به عثمان دمبله همچنان حواشی این مراسم به قوت خود باقی است؛ حاشیه هایی که اکثر آنها مربوط به ناکامی لامین یامال، ستاره جوان بارسا در رقابت با دمبله است. هنوز هم بسیاری بر این باورند که حق یامال بوده که توپ طلای امسال را تصاحب کند و اهدای این جایزه به ستاره فرانسوی باعث سرخوردگی جوان اول بارسا خواهد شد. حالا اما با گذشت چند روز آمار و ارقام و امتیازهایی که اعلام می شود نشان از برتری یی چون و چرای دمبله نسبت به یامال دارد. فرانس فوتبال برای نخستین بار با شفافیتی بی سابقه، جزئیات کامل آرای توپ طلای مردان و زنان را منتشر کرد؛ جدولی که نه تنها برنده ها را روشن تر کرد، بلکه داستان های پنهان پشت هر رأی را آشکار ساخت.

عثمان دمبله با اختلافی خیره کننده قهرمان شد؛ ۵۲رای اول از طرف ۱۰۰ژورنالیست و مجموع هزارو ۳۸۴ امتیاز. ۷۲درصد از رأی دهنده ها او را در جمع سه نفر برترشان قرار دادند. قهرمانی سه گانه پارسیسی ها لایگ قهرمانان، لیگ ۱ و جام حذفی نقش کلیدی در این برتری داشت، اما قصه فقط درباره صدرنشین و برنده توپ طلا نیست.

لامین یامال، پدیده ۱۷ساله بارسا با اختلاف قاطع پشت سر دمبله ایستاد. تنها ۱۳فتر به او به عنوان نفر اول فهرست شان رأی داده بودند. این آمار همانطور که درباره دمبله گفته شد ۲۵نفر بود. یامال در نهایت هزارو ۵۲رای به دست آورد و همین اختلاف فاحش کافی است که متوجه شویم چرا توپ طلا به دمبله تعلق گرفته است. یک نکته جالب توجه دیگر اینکه لامین یامال بیشترین حمایت را از آسیا داشت، در حالی که دمبله اروپا را تسخیر کرد. در واقع این رأی دهندگان اروپایی بودند که دمبله را صاحب توپ طلا کردند و اگر قدرت آسیا بیشتر بود، الان توپ طلا در اختیار یامال بود.



هری کین گلزنی می کند، کمپانی نقشه می کشد

بی رحم و جاه طلب مثل بایرن مونیخ

رکورد دیگر دست یافت و هنوز هم اینقدر برای تیم تلاش می کند، نشان می دهد عطش و اشتیاق درونی زیادی دارد. سرمربی بلژیکی بهترین شروع بایرن در لیگ آلمان را رقم زده است. ثبت پنج برد از پنج بازی و کسب ۱۵امتیاز درخشانی است که کمپانی از خود به جای گذاشته است. باورایی ها همچنان به سرمربی خود اعتماد دارند و کمپانی از شروع دومین فصل خود روی نیمکت بایرن راضی است: «در شروع فصل صحبت های زیادی درباره مشکلات ترکیب تیم ما مطرح شد، اما برای من مهم ترین مسئله داشتن اعتماد صددرصدی به تک تک بازیکنانی است که در اختیار داریم، وقتی بازیکنی را در اختیار

استاد کامبک، بیزار از شکست

اشرف رامین

کاتالان ها به تبعیت از سرمربی خود از باخت متفرند و حتی اگر با اشتباه فردی یکی از بازیکنان در آستانه شکست قرار بگیرند، با تمام توان برای کامبک زدن به حریف می جنگند. این اتفاق در هفته ششم لالیگا دوباره تکرار شد و همه دیدند بارسلونا برای آنکه از شکست پیروزی بسازد، چطور جانانه جنگید. پیروزی تیم تا زودوار اودیو فقط یک نیمه طول کشید چراکه تعویض های طلایی هانسی فلیک و گلزنی اریک گارسیا، لواندوفسکی و اراونخو بک برد دیگر را برای بارسا به ثبت رساند. با این پیروزی اشتباه مهلک خوان گارسیا سسگربان ابی اناری ها تا حدودی فراموش شد و بارسلونا کماکان در لیگ بدون شکست باقی ماند. مدافع عنوان قهرمانی اسپانیا برای آنکه دوباره جام را لمس کند، راهی ندارد جز اینکه حداقل امتیاز را مقابل حریفان از دست دهد. شاگردان فلیک تا اینجا پنج برد و یک تساوی داشته اند و همان تساوی برابر رابوویاه کانو دو امتیاز مهم را از چنگ شان درآورده است. همان دو امتیاز باعث شده تا رنال ۱۸امتیازی صدرنشین بماند و بارسا با ۱۶امتیاز در تعقیبش باشد، با این حال وضعیت تیم همچنان خوب است و سرمربی آلمانی برای رسیدن به پیروزی های بیشتر تلاش می کند. غلبه بر زنال اودیو باعث ثبت یک رکورد مثبت دیگر در کارنامه فلیک شد، این پنجاهمین برد هانسی فلیک با بارسلونا بود و آمار و ارقام نشان می دهد تنها دو سرمربی بودند که توانستند زودتر از فلیک این رکورد را ثبت کنند. در ۶۷بازی که بارسا تحت رهبری فلیک انجام داده، ۵۰پیروزی، هشت تساوی و ۹شکست به چشم می خورد، در حالی که لوئیز انریکه سرمربی سابق بارسا طی ۶۰بازی (سال ۲۰۱۵ و ۲۰) و «هررا» طی ۶۴بازی (۱۹۵۹) پنجاهمین بردشان در قامت سرمربی بارسلونا را جشن گرفتند. در بین سرمربیان شناخته شده پیشین این تیم، مربیانی چون گواردیولا و زاوی بعد از ۷۱ و ۷۸مسابقه رکورد ۵۰برد با بارسلونا را ثبت کرده اند.

«میلان– ناپولی» جدالی تمام عیار

جنگ قدرت در سری آ

متنوع و پرقدرت نشان داده بلکه در فاز دفاعی هم نظم بالایی دارد، اما نبود برخی بازیکنان می تواند دست سرمربی این تیم را در پوست گردو قرار دهد. آلساندرو پونچیوتو، بهترین پاسور و طراح اصلی بازی ناپولی که بیش از هر چیز جریان سازی تیم را تحت تأثیر قرار می دهد، در این دیدار به دلیل مصدومیت حضور ندارد و به لحاظ فنی نبود این بازیکن می تواند ساختار بازی سازی صدرنشین سری آ را مختل کند. علاوه بر او، رومولو کاکو مهاجم هدف و نیکیتا کنتینی نیز قادر به همراهی تیم شان نیستند، اما میلان می تواند به خوبی از این شرایط بهره مند شود. در موقعیت ضدحمله قرار دهد و لیانو را با سرعت در میانه میدان و بستن فضاهای مرکزی، جریان پاس های ناپولی را به چالش بکشاند؛ استراتژی ای که اگر به درستی انجام شود، می تواند روسوئری را آگزی برای این دیدار حساس تمام مهره هایش را در اختیار دارد و تنها غایب تیم او اردون جاشاری است (مصدوم)، اما شرایط کونته در ناپولی اندکی متفاوت تر است، ناپولی نه فقط در خط حمله

زودهنگام قهرمانی است.

هر چند میلان لیگ را با شکستی غیر منتظره برابر کرومنزه آغاز کرد ولی در ادامه با سه برد متوالی نشان داد قرار نیست با پس بکشد، اما همان یک لغزش کافی بود تا فاصله سه امتیازی از ناپولی صدرنشین که هر چهار مصاف ابتدایی را با برد پشت سر گذاشته، در رده سوم جدول قرار گیرد(با تفاضل گل بهتر از اس رم)، اما مصاف رودرور فرصتی طلایی است برای آلگری و شاگردانش تا ناکامی هفته نخست را جبران و با به زیر کشیدن میهمان امشب، جایگاه او را تصاحب کند، اما دستیابی به این هدف اصلاً کار آسانی نیست، وقتی کونته و شاگردانش هم مثل هر چهار بازی قبلی با هدف حفظ و تثبیت جایگاه قرار است وارد میدان شوند؛ مسئله ای که نوید یک بازی جذاب، تماشاگرپسند

و حساس را می دهد.

امیدوار است با استفاده از امتیاز میزبانی، یاران کونته را به زیر بکشد؛ دیداری حساس که می تواند مسیر صدرنشینی لیگ را در همین ابتدا تغییر

دهد، بی تردید از مونی جدی برای هر دو مدعی

نیشگون

ما سلطان آسیا نیستیم



فریدون حسن

سال هاست فوتبال ایران در خوش خیالی کامل خود را سرگرم رنگینک فیفا و آسیا و برخی القابی کرده که پیش از این به فوتبال ما داده اند. سال هاست در خوش خیالی محض دور خود پیله ای تنیده ایم و تصور می کنیم همچنان کسی حریف مان نیست. سال هاست در خواب قهرمانی مانده ایم و تصور می کنیم در رده باشگاهی و ملی همچنان پر افتخار ترین تیم هستیم. دل خوش کرده ایم به اینکه فیفا و ای اف سی بهمان لقب بدهند و ما را بزرگ قلمداد کنند. خوش خیالیم که با یک پیروزی ساده برای خودمان رؤیای درازی می کنیم، ولی واقعیت این نیست، واقعیت این است که فوتبال ایران در آسیا هیچ حرفی برای گفتن ندارد. اینکه راحت به جام جهانی صعود می کند دلبری بزرگی اش نیست که اگر بود مقابل اصلی ترین حریفش (ازبکستان) که تازه سبزی در سبزه را آورده دو بار مساوی نمی کرد و دست آخر هم نمی باخت!

بگذیم، بحث بحث خودفریبی و خودبزرگ بینی است که فوتبال ایران سال هاست گرفتار آن شده و به همین خاطر هم است که هیچ پیشرفتی نمی کند. دیروز خبرگزاری ها نوشتند که فیفا گزارشی از تیم ملی ایران ارائه کرده و در آن به ایران لقب «سلطان فوتبال آسیا» را داده است؛ لقبی که متأسفانه حتماً از سوی مسئولان فوتبال ایران مورد سوءاستفاده قرار خواهد گرفت و از این پس شاهد خواهیم بود که آنها چگونه با این لقب مانور تبلیغاتی برای خودشان راه می اندازند.

اما آیا واقعاً فوتبال ما «سلطان آسیاست»، یعنی واقعاً باید باور کنیم که هیچ تیمی بالاتر از تیم ما نیست. جالب است که در گزارش فیفا آمده «سلطان آسیا» همچنان حسرت به دل صعود از مرحله گروهی جام جهانی است، در حالی که کره جنوبی، ژاپن و حتی عربستان به راحتی تا مراحل بالاتر هم رفته اند. حالا ما سلطان آسیا شده ایم؟

گفتیم که فوتبال سال هاست اسیر آمار و ارقام و رنگینک های جور واجور و القاب دهان پرکن مانده و فراموش کرده که باید در زمین مسابقه خودش را نشان دهد. حالا هم برگ تازه ای رو شده برای خوش خیالی ها و رؤیای درازی های دیگر برای اینکه آقایان باور کنند که «سلطان فوتبال آسیا» هستند، سندش را هم دارند، هر که بخواهد اعتراض کند گزارش فیفا را جلویش می گذارند تا دهانش را ببندند و این ماجرا همچنان ادامه دارد. بیاید حداقل اینجا باهم صادق باشیم. باور کنید سال هاست ما دیگر «آقای آسیا» نیستیم، «سلطان» بودن پیشکش. گذشته ها گذشته، بیاید برای یک بار هم که شده فریب این القاب توخالی و این تعریف و تمجیدهای «بودار» را نخوریم. باور کنیم که فوتبال مان در حال سقوط است و باید برای اعتلای آن خودمان دست به کار شویم نه اینکه منتظر تعریف و تمجیدهای دیگران باشیم. باور کنیم که ما «سلطان فوتبال آسیا» نیستیم که اگر امروز را باور کردیم و دست به کار شدیم، طوری نخواهد کشید که واقعاً به این لقب خواهیم رسید اما اگر امروز این عنوان پوچ را باور کردیم، خیلی زودتر از آنچه تصورش را کنیم از «رعیتی» فوتبال آسیا هم پایین تر خواهیم رفت.



شکست طرح مدرن اولدترافورد

منچستر همه جوره می بازده

منچستر یونایتد این روزها هم در زمین مسابقه به حریفان می بازد و هم در زمینه مدیریتی حرف چندانی برای گفتن ندارد تا جایی که حتی پروژه های زیرساختی و برنامه های مدرنیزه این باشگاه بزرگ هم با شکست روبه ر می شوند. آخرین شکست منچستر خارج از میدان مسابقه شکست طرح ساخت سایبان مدرن و عظیم در پروژه بازسازی اولدترافورد است. طبق گزارش اتلنتیک، طرح جاه طلبانه منچستر یونایتد برای ساخت یک سایبان مدرن و عظیم در پروژه بازسازی اولدترافورد به بن بست رسیده است. این باشگاه قصد داشت زمینی را که محل اجرای این سازه قرار می گرفت با قیمت ۵۰میلیون پوند خریداری کند، اما مالکان زمین رقم نجومی ۴۰۰میلیون پوند را پیشنهاد دادند؛ اختلافی که باعث شد پروژه به طور کامل لغو شود.

سایبان مورد نظر قرار بود بخشی از طرح نوسازی اولدترافورد جدید باشد؛ طرحی که هدف آن تبدیل استادیوم تاریخی منچستر یونایتد به یک نماد مدرن و چندمنظوره در قلب شهر منچستر بود. این سازه چشمگیر، علاوه بر ایجاد سایه و پوشش برای ورزشگاه و اطراف آن، قرار بود به عنوان نمادی معمارانه و شاخص شهری نیز شناخته شود. مدیران منچستر یونایتد امیدوار بودند با خرید زمین و اجرای این پروژه، تجربه حضور هواداران در روز مسابقه را تقا دهند و همچنین با ایجاد فضاهای تجاری و فرهنگی جدید، منبع درآمدی تازه برای باشگاه ایجاد کنند، بااین حال اختلاف مالی سنگین با مالکان زمین عملاً همه چیز را متوقف کرده است. لغو این بخش از پروژه به معنای توقف کامل بازسازی اولدترافورد نیست، اما بدون شک یکی از جذاب ترین و جاه طلبانه ترین بخش های طرح از دست رفته است. هواداران که امیدوار بودند استادیوم محبوب شان به نمادی مدرن همچون پروژه های مشابه در اروپا تبدیل شود، حالا باید به نسخه ساده تر بازسازی قانع باشند.

با توجه به شرایط فعلی، باشگاه احتمالاً به دنبال جایگزین های کم هزینه تر خواهد رفت، اما این اتفاق بسار دیگر نشان داد حتی باشگاه های بزرگی مانند منچستر یونایتد هم در مسیر توسعه، با موانع اقتصادی و مالی بزرگ مواجه می شوند. حال باید دید مدیریت چه برنامه ای برای جبران این عقب ماندگی خواهد داشت.